

تحلیل حقوقی - کیفرشناسی ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه عفت عمومی در فضای مجازی

- سعید غیاثوند^۱، احسان امرایی فر^۲، مریم درویشی^۳
۱. استادیار گروه حقوق، واحد درود، دانشگاه آزاد اسلامی، درود، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد درود، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد درود، ایران

چکیده

زمینه: امروزه با پیشرفت فن آوری و استفاده هرچه بیشتر از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان انجام جرایم علیه عفت عمومی به نحو چشم‌گیری افزایش یافته که یکی از دلایل این افزایش را می‌توان ضعف مقنن در وضع ضمانت اجرای کیفری متناسب با این گونه جرایم دانست.
روش تحقیق و هدف: در این مقاله نگارنده با روش تحقیق تحلیلی - توصیفی به صورت کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری به واکاوی حقوقی - کیفرشناسی ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه عفت عمومی در فضای مجازی پرداخته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در خصوص نوع و میزان مجازات‌ها نیز باید گفت که قانون‌گذار باید به تمامی کارکردهای کیفر یعنی ناتوان‌سازی بزهکاران، بازدارندگی عام یا خاص، اصلاح و بازپروری، ترهیب، ترذیل، ارباب و مسایلی از این قبیل توجه داشته باشد. سیاست کیفری تقنینی ایران در خصوص جرایم منافعی عفت در فضای مجازی بر این بوده که با وضع ضمانت اجرای متنوع در جهت تحقق کارکردهای کیفر گام بردارد. رویکرد قانون‌گذار در برخی از موارد متناسب با کارکردهای کیفر بوده ولی در مواردی نیز واکنش تعیین شده برای رفتار مجرمانه نامتناسب و اصلاح قوانین در این گونه موارد ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، مجازات، کیفرشناسی، عفت عمومی، حقوقی

مقدمه

قانونگذار ایران در اغلب موارد، مجازات‌های سنگینی را برای هرزه‌نگاری در نظر گرفته است. این مجازات‌ها شامل حبس و جزای نقدی و شلاق با تعیین حداقل و حداکثر و در برخی موارد محرومیت از حقوق اجتماعی برای مدت معین است. قانونگذار حتی در برخی موارد پا را از این نیز فراتر گذاشته و این اختیار را به دادگاه داده است که عمل ارتكابی را از مصادیق مفسد فی الارض قلمداد کرده و مرتکب را به مجازات مفسد فی الارض که اعدام است محکوم نماید. صرف نظر از اینکه مفهوم مفسد فی الارض و مجازات وی در نظام حقوقی ایران محل بحث و نزاع‌های فراوانی است که در ادامه به بیان موارد مذکور می‌پردازیم؛

برای مرتکب رفتارهای ذکر شده در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن، مجازات حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد. با توجه به موضوع این نوشتار که در مورد وقوع این جرایم در فضای سایبر است، قسمت‌هایی از این ماده که قابلیت انطباق با این فضا را دارد بررسی شد و البته با تصویب فصل جرایم رایانه‌ای قانون مجازات اسلامی در صورت وقوع رفتارهای مذکور در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن در فضای سایبر، ضمانت اجرای مقرر در مواد ۷۴۲ و ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی بر مرتکبین اعمال می‌شود.

۱. تبیین ضمانت اجرای مقرر برای جرایم خلاف عفت و اخلاق عمومی در فضای سایبر
در این قسمت نگارنده به تبیین دو قانون مهم در این زمینه یعنی قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز مصوب ۱۳۸۶ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بخش تعزیرات آن خواهد پرداخت.

۱-۱. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶

اینکه به بیان مجازات‌های قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند؛ خواهیم پرداخت.

۱. عوامل اصلی تکثیر عمده‌ی آثار سمعی و بصری مستهجن که در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و یک صد میلیون ریال جزای نقدی و ضبط تجهیزات مربوطه و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و دویست میلیون ریال جزای نقدی و ضبط تجهیزات مربوطه و محرومیت اجتماعی به مدت ۱۰ سال محکوم می‌شوند. البته در ادامه‌ی همین ماده بیان شده که در صورتی که از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند اعدام می‌گردند.

۲. تولیدکنندگان آثار مستهجن به عنف و اکراه یا برای سوءاستفاده جنسی دیگران چنانچه مفسد فی الارض شناخته شوند، اعدام می گردند و گر نه به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شوند.
۳. سایر عوامل تکثیر آثار مستهجن چنانچه از مصادیق مفسد فی الارض نباشند به مجازات شلاق از سی تا هفتاد و چهار ضربه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال و محرومیت اجتماعی از دو تا پنج سال محکوم می شوند.
۴. تکثیرکنندگان آثار سمعی و بصری کمتر از ده نسخه به جریمه نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهند شد.
۵. تکثیرکنندگان نوارها و دیسک ها و لوح های فشرده و نمایش های مبتذل چنانچه از مصادیق مفسد فی الارض نباشند در مرتبه اول به سه ماه تا یک سال حبس و یا دو میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و یا پنج میلیون ریال تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ۱۰ سال حبس و یا ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال جزای نقدی و ضبط کلیه ی تجهیزات مربوطه محکوم می شوند (مدنی قهفرخی و زینالی، ۱۳۹۰: ۱۸۶).
۶. مأموران مذکور در ماده هشت این قانون در صورتی که با سوءنیت یا برای استفاده ی مالی مبادرت به انتشار محتوای مستهجن نمایند و از مصادیق مفسد فی الارض نباشند، به دو تا پنج سال حبس و هفتاد و چهار ضربه شلاق و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می شوند و در صورتی که در اثر سهل انگاری افشا گردد، مسامحه کننده به مجازات تا یک سال حبس و مجازات نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم می شوند.

۲-۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

برخی حقوقدان معتقدند که «تعمیم عنوان محاربه و افساد فی الارض به اعمال مرتبط با اشاعه ی فحشاء نیز فاقد دلیل روشن و مخالف منطق احتیاط فقهی در تفسیر جرایم مستوجب حد است» (نوبهار، ۱۳۸۹: ۲۷۳) در این قانون در موارد متعددی به مجازات افساد فی الارض ارجاع داده است و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، افساد فی الارض در عنوانی مستقل از محاربه تعریف شده، در اینجا لازم می دانیم مطالبی چند راجع به این امر بیان کنیم؛

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ خود بیان می دارد: هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

تبصره: هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

در این ماده قانونگذار با بیانی کلی و با به کار بردن اصطلاحاتی مبهم که قابلیت تفسیر موسع دارند افساد فی‌الارض را تعریف به مصداق کرده است. آن قسمت از ماده که می‌گوید «سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد» موضوع بحث ما می‌باشد و برای اینکه دریا بیم که تکثیرکننده‌ای (خواه عامل اصلی خواه سایر عوامل) مشمول عنوان افساد فی‌الارض می‌شود یا خیر باید ببینیم که آیا این عمل وی سبب اشاعه‌ی فساد یا فحشاء در حد گسترده شده است یا خیر، که در صورت مثبت بودن پاسخ، مرتکب به مجازات افساد فی‌الارض مقرر در این ماده یعنی اعدام محکوم می‌شود. نکته‌ای که در اینجا به ذهن می‌رسد راجع به تبصره‌ی این ماده می‌باشد که حبس تعزیری درجه پنج یا شش را برای حالتی که فعل مرتکب در حد اعدام نیست و در قانون مربوطه مجازات دیگری برای آن پیش‌بینی نشده، تعیین نموده است که مصداق این حالت را در قانون سمعی و بصری می‌توان یافت. در بند الف ماده سه این قانون گفته که تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه و تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران در صورتی که مصداق مفسد فی‌الارض باشند به مجازات آن محکوم می‌شوند و ضمانت اجرایی برای حالتی که مصداق این عنوان نباشند تعیین ننموده که با توجه به تبصره‌ی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باید گفت که در حالت اخیر، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم خواهد شد.

۳-۱. بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی (فصل جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸)

کیفرهای مقرر در ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات فصل جرایم رایانه‌ای را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

۱. برای رفتارهای شش‌گانه مرتبط با محتویات مستهجن، مجازات حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات در نظر گرفته است.
۲. هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ۱۰ نفر ارسال شود، مرتکب به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا پنج میلیون ریال محکوم خواهد شد.
۳. برای رفتارهای شش‌گانه مرتبط با محتویات مبتذل، مرتکب به حداقل یکی از مجازات‌های بیان شده در حالت اول محکوم خواهد شد و به نظر می‌رسد در اینجا دادرس تنها حق تعیین یک کیفر را دارد و نمی‌تواند هم زندان و هم جزای نقدی را تعیین نماید.
۴. چنانچه مرتکب، اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان‌یافته مرتکب شود چنانچه مفسد فی‌الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

شد. در مورد شرایط مفسد فی الارض در قانون مجازات اسلامی توضیح داده شد ولی نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که آیا مورد اخیر که در تبصره سه ماده ۷۴۲ بیان شده مشمول محتویات مبتذل هم می‌شود؟ به نظر می‌رسد با توجه به سیاق این تبصره که این افزایش را به طور نوعی بیان کرده که بر رفتار بار می‌شود و نه نوع محتوا، از این جهت حکم این تبصره هم شامل محتوای مستهجن می‌شود و هم مبتذل. در ابتدا بند الف ماده ۷۴۳ این قانون به طور کلی برای پشتیبانی از اشخاص زیر ۱۸ سال پیش‌بینی، و از این رو برای مرتکبان مجازات سنگینی در نظر گرفته شده بود ولی در کمیسیون حقوقی مجلس این پشتیبانی برداشته شد، در صورتی که سنگینی کیفر همچنان پا بر جا ماند که به نوعی عدم تناسب بزه انتسابی با کیفر پیش‌بینی شده جلوه می‌نماید چرا که حداقل کیفر پیش‌بینی شده در این ماده با حداقل کیفر مقرر برای هرزه‌نگاری یکسان می‌باشد. برای مثال در جایی که شخصی محتوای مستهجن را برای دیگری ارسال می‌کند به موجب تبصره یک ماده ۷۴۲ به جزای نقدی یک تا پنج میلیون ریال محکوم می‌شود، اما اگر نشانی وبگاهی که چنین محتوایی در آن منتشر شده را به دیگری معرفی کند به موجب بند الف ماده ۷۴۳ به جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا حبس از نود و یک روز تا یک سال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

کیفر پیش‌بینی شده در بند الف ماده برای مرتکبین رفتارهای مقرر، حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو میلیون ریال تا پنج میلیون ریال است. قانونگذار بند ب ماده ۷۴۳ را که رفتار آن در واقع معاونت است، به عنوان جرم مستقل برای انجام یک رفتار نابهنجار در نظر گرفته و فقط یک مجازات برای آن تعیین نموده است. مرتکب رفتارهای مذکور در این بند به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.

در مواد ۷۴۸ و ۷۴۹ قانون مجازات اسلامی قانونگذار برای اشخاص حقوقی مرتکب هرزه‌نگاری، جدای از اشخاص حقیقی مرتکب، تعیین مجازات کرده است. این مجازات‌ها شامل تعطیلی موقت و انحلال شخص حقوقی می‌باشد. نکته دیگر این که در اکثر جرایم مورد بحث، ضبط و مصادره اموال پیش‌بینی شده است. مضافاً اینکه در خصوص هرزه‌نگاری‌های رایانه‌ای، قانونگذار برخی مجازات‌های تکمیلی نظیر محرومیت از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی را نیز در نظر گرفته است.

نکته قابل ذکر دیگر در بحث مجازات‌ها، مسئله تعدد جرم است. قانونگذار در هیچ یک از مواد مورد بحث، به طور ویژه اشاره‌ای به تعدد جرم نکرده و در این خصوص باید به مواد عام ناظر به تعدد مراجعه کرد. به نظر می‌رسد اگر کسی اثر هرزه‌نگارانه را تولید کرده و آن را نیز به نمایش عموم گذارد و نیز توزیع کند، باید عمل وی را مشمول عنوان تعدد مادی جرم دانست اما ذخیره یا نگهداری آن، چون لازمه

و جزء لاینفک این اعمال است، با سایر موارد، قابل جمع نیست و این عنوان، فقط نسبت به کسانی قابل اعمال است که تنها کاری که در ارتباط با اشیاء هرزه‌نگارانه انجام داده‌اند همین ذخیره و نگه‌داشتن است.

۲. تحلیل کیفرشناسی ضمانت اجرای کیفری جرایم علیه عفن عمومی در فضای مجازی

حقوق کیفری، اعمالی که به جامع آسیب می‌رساند را تعریف، و مجازات مباشران آن اعمال را نیز مشخص می‌نماید (بولک، ۱۳۸۷: ۲۵) در نظام حقوقی ایران اصولاً مبنای مجازات واضح نیست و اصولاً مجازات‌ها می‌بایست اجرا گردند و لو اینکه اهداف عام مجازات محقق نگردد و از این نظر می‌توان گفت نوع مدل حقوق ایران نزدیک است به کارکرد اخلاقی کیفر.

بین اهداف مجازات و بحث در خصوص مبانی جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه تفاوت وجود دارد. در مبانی جرم‌انگاری بدون توجه به نوع و میزان مجازات برای رفتار مجرمانه، در خصوص اصولی که قانونگذار بر آن مبنا رفتاری را جرم می‌داند، بحث می‌شود در حالیکه منظور از اهداف مجازات، این است که ببینیم قانونگذار کیفری از وضع مجازات به دنبال دستیابی به چه امراتی است. البته دلیل وضع کیفر برای هر رفتاری حمایت از همان مصلحتی است که قانونگذار بر آن مبنا اقدام به جرم‌انگاری نموده است. در نتیجه بین کیفر با جرم باید اصل تناسب رعایت شود.

در مقررات اسلامی در زمینه اهداف مجازات‌ها، به جای تأکید نامتعادل بر یک جنبه از کیفر، به تمامی ابعاد مجازات همچون بازدارندگی عمومی و خصوصی، جبران خسارت‌های ناشی از جرم، اجرای عدالت، اصلاح و بازپروری بزهکار و نیز دفاع از جامعه و ارزش‌های آن توجه نموده است.

عنوان قانون سمعی و بصری این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که ملاک، مجازات اشخاص است نه حمایت از بزه‌دیده که خود نوعی نگاه تهدیدآمیز به شمار می‌رود و مجازات‌های مندرج در این قانون از سنگین‌ترین مجازات‌های موجود در مدل‌های کیفری است که در بسیاری از بندهای آن، قانونگذار، اصل را بر مفسد فی الارض بودن، قرار داده است و خلاف آن را نیاز به احراز دانسته و اینکه این قانون با قید فوریت به تصویب رسیده که نگاه عجولانه قانونگذاری برای وضع این مقررات پاسخ به بحران مقطعی ناشی از انتشار تصاویری مستهجن از بازیگری مشهور بیان می‌نماید. حتی مرجع صالحی که برای رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون قرار داده یعنی دادگاه انقلاب که دادگاهی اختصاصی و بیشتر برای جرایم علیه امنیت است.

همچنین بررسی علمی جرایم مندرج در آن به وضوح می‌تواند به رویکرد مجلس هفتم پی برد. در این دوره قانونگذار در مقابل بزه و بزهکاری رویکردی امنیتی داشته و به نظر آن تنها با تحمیل مجازات می‌توان به مقابله با بزهکاران و حفظ حقوق، آزادی و امنیت مردم پرداخت. قانونگذار با این اوصاف رویکردی اقتدارگرا و امنیت محور داشته که حمایت از بزه‌دیده اثر وضع این قانون بوده است نه علت وضع آن. به طور کلی می‌توان گفت در ایران در وضع قوانین کیفری کمتر به جنبه‌های نظری و هنجارهای این بخش

مهم حقوق کیفری (کیفرشناسی) پرداخته شده است. از جمله کارکردهای مجازات، هم در نظام‌های کیفری عرفی و هم از دیدگاه اسلامی، دفاع از جامعه و ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه است. در واقع حقوق کیفری با وضع ضمانت اجرا برای ارزش‌ها، آنها را به جامعه اعلام می‌نماید. از این رو همواره نوعی تناسب میان میزان اهمیت ارزش نقض شده و میزان مجازات باید وجود داشته باشد.

اصل عدم تناسب بین کیفر و بزه از یک نظر و نیز تناسب میان کیفر بزه‌های مختلف (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۶۶۷) از نظر دیگر، نکته‌ای است که قانونگذار می‌بایست، رعایت نماید ولی در جرایم مندرج فصل جرایم رایانه‌ای قانون مجازات اسلامی و قانون سمعی و بصری شاهد این امر نیستیم.

تعیین مجازات برای افرادی که قانونگذار آنها را مجرم تلقی می‌نماید امری علمی و نیازمند بررسی علوم مختلف و تحصیل نظریات همه‌ی علوم مرتبط با کیفرشناسی است.

قانونگذار ایران در مواردی مجرم را فردی که الزاماً می‌بایست کیفرهای شدید و سنگین بر او بار شود، تلقی کرده است. این موضوع در بحث جرایم منافی عفت فصل جرایم رایانه‌ای قانون مجازات اسلامی و قانون سمعی و بصری به وضوح دیده می‌شود و قانونگذار در مواد مختلف، مجازات‌های شدیدی را ذکر نموده است. هرچند قانونگذار با جرم‌انگاری یک رفتار، جامعه را ارزش‌های اخلاقی آگاه می‌سازد اما نباید اینگونه پنداشت که این امر با واکنش کیفری شدید ملازمه دارد.

در قانون سمعی و بصری حتی فرد مجرم را در فرضی به ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می‌نماید (علاوه بر حبس و ضبط و جریمه نقدی) در حالی که محرومیت از حقوق اجتماعی در جرم قتل عمدی طبق ماده ۶۲ مکرر، هفت سال است هیچ تناسبی بین مجازات این دو جرم وجود ندارد، زیرا به عنوان مثال کسی که ۱۱ عدد سی‌دی که دارای محتویات مستهجن است را توزیع نماید نسبت به فردی که قتل انجام داده طبق قانون سمعی و بصری به محرومیت اجتماعی طولانی‌تری محکوم خواهد شد. قانونگذار حتی نگهداری آثار مبتذل و مستهجن را نیز جرم قلمداد نموده است به عنوان مثال اگر فردی چند سی‌دی تصویری از آثار مستهجن را نگهداری این نوع جرم انگاری را صحیح نمی‌داند به موجب اصل ضرورت لازم است ابتدا توجیه قانونگذار مبنی بر ورود و مداخله در حوزه حریم خصوصی بیان گردد، در حالی که به نظر می‌رسد لازم است، در برخی از رفتارها که اساساً انحراف محسوب می‌شوند، قانونگذار با توسل به ابزارهای غیر کیفری مداخله نماید. هنگامی که قانونگذار با رویکردی امنیت‌گرا در بحران‌های مقطعی به دنبال احساسات تهییج شده، تنها راه کنترل جرم و پاسخ به بی‌نظمی‌های ظاهری را، بدون توجه به مبنا و هدف و کارکردهای مجازات، با توجه به شدیدترین نوع مجازات‌ها و با نگاهی پدرسالارانه، در حوزه‌های بسیار حساس انحرافات اقدام به جرم‌انگاری و کیفر انگاری نماید که خط مشی خود را از عدالت کیفری به راهی دیگر تغییر داده است و این بحران عظیمی محسوب می‌گردد.

قانونگذار در قانون سمعی و بصری و فصل جرایم رایانه‌ای قانون مجازات اسلامی در بخش جرایم منافی عفت، مجازات مفسد فی‌الارض برای بعضی از رفتارهای مجرمانه قرار داده است در حالی که به نظر

نمی‌رسد که برای این رفتارها بتوان از سنگین‌ترین احکام اسلام برای کیفر این افراد استفاده کرد زیرا از یک طرف ارجاع مقررات شرعی به جرم غیر شرعی امری قبیح و غیراصولی است و از طرف دیگر قیاس احکام حدود و توسعه‌ی دامنه آن با توجه به دیگر مقررات فقه جزایی از جمله اصل احتیاط (اشتغال)، قاعده‌ی رفع و قاعده‌ی درا خلاف مقررات فقه جزایی به شمار می‌رود. «اشاعه فساد و فحشاء را از قلمرو حد محاربه و افساد فی الارض خارج دانستن، هرگز به معنای مسامحه در برابر فساد و افساد نیست. فساد و افساد دارای مراتب است که می‌توان با درجات مختلف و انواع گوناگون کیفر در برابر آن، واکنش مناسب نشان داد. اصولاً تلاش برای گسترده کردن دامنه‌ی آنچه امروزه در فقه کیفری «حد» نامیده می‌شود، نه اقدامی مناسب است و نه سازگار با موازین و مبانی فقهی» (نوبهار، ۱۳۸۹: ۲۷۴).

یکی از اصول و مبانی نظری تقنین و تفسیر، قاعده منع تفسیر موسع حدود می‌باشد قانونگذار بر مبنای این قاعده حق گسترش دامنه حدود چه از لحاظ تعیین رفتارهای جدید برای جرایم خاصی و چه از نظر تحکیم مجازات این جرایم به رفتارهای مجرمانه دیگر ندارد. منع دامنه گسترش حدود یک قاعده عام است و تمامی مسائل و متفرعات حکمی و موضوعی را شامل می‌شود و این امر هم در زمان وضع جدید و هم در زمان تفسیر نصوص جزایی امری لازم و ضروری محسوب می‌گردد.

به مقتضای روایات بسیار، حدود و مجازات‌های الهی مبنی بر تخفیف و مسامحه است و شارع اهتمام زیادی به حفظ دماء و نفوس مسلمانان دارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق: ج ۲۸، ۳۳۶).

همچنین به نظر نمی‌رسد که رفتارهای مذکور در این دو قانون با توجه به اصل تناسب میان بزه و کیفر و نیز میان کیفر جرم‌های مختلف، مستحق کیفری با این شدت باشد. قانونگذار ایران در خصوص جرایم منافی عفت در این دو قانون از دیدگاه سنتی خود عدول ننموده و کماکان به کیفر از نوع شدید اصرار دارد چون به نظر او شدت مجازات است که باعث کنترل جرم می‌شود در حالی که به نظر غالب، شدت مجازات صرفاً ارزیابی دیگر عوامل نمی‌تواند عامل منحصر بازدارنده (به مفهوم عام و خاص) به شمار رود. اصولاً نمی‌توان به صرف تعیین مجازات سنگین مانع ارتکاب جرایم شد مثلاً در مورد جرایم مخدر علی‌رغم اینکه سنگین‌ترین مجازات‌ها را دارند ولی به شکل فراوان در سطح کشور اتفاق می‌افتد که این امر به ما نشان می‌دهد که سنگین بودن مجازات به تنهایی نمی‌تواند عامل بازدارنده محسوب شود. البته با توجه به این اصل که به معنای تناسب میان اهمیت ارزش نقض شده و میزان مجازات است در مورد بزهکاران حرفه‌ای که در این حوزه فعالیت می‌کنند و در تبصره‌ی سه ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده مجازات سنگین‌تری باید پیش‌بینی شود که قانونگذار این موضوع را رعایت کرده است. در صحیح محمد بن مسلم از معصوم (ع) درباره کیفر شرب خمر آمده است:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّارِبِ فَقَالَ أَمَّا رَجُلٌ كَانَتْ مِنْهُ رَلَّةٌ فَإِنِّي مُعَزِّرُهُ وَأَمَّا آخَرُ يُدْمِنُ فَإِنِّي كُنْتُ مِنْهُ كَهْ عُقُوبَةٍ لِأَنَّهُ يَسْتَحِلُّ الْمُحَرَّمَاتِ كُلَّهَا وَكَوُتِرَكَ النَّاسُ وَذَاكَ لَقَسَدُوا.» (طوسی، ۱۳۹۰ ه. ق: ۲۳۶).

در این حدیث مجازات کسی که پیوسته خمر می نوشد تعزیر سنگینی بیان شده چرا که اگر مردم این گونه رها شوند، به فساد می گرایند.

این گونه احادیث بیان گر این مطلب هستند که بر مبنای اصل فردی کردن مجازات ها که به موجب آن مجازات باید با شدت عمل ارتكابی متناسب باشد که به نوعی مشابه با مکتب فایده اجتماعی در غرب است باید برای بزهکاران حرفه ای مجازاتی سنگین تر پیش بینی کرد که تبصره ی بیان شده در راستای این امر مجازات سنگین تری وضع نموده است.

نکته پایانی در خصوص مجازات باید به اصل متنوع و انسانی بودن کیفرها اشاره کنیم. با توجه به قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» در مجازات های تعزیری باید از طیف متنوعی از مجازات ها استفاده نماید. امری که نمونه آن را قانونگذار در فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان مجازات های جایگزین حبس بیان نموده است. به نظر می رسد همانگونه که برخی نویسندگان اشاره نموده اند (نوبهار، ۱۳۸۹: ۲۳۴).

باید به جای توجیه تازیانه و دفاع از آن، برای تلطیف مجازات ها و متناسب کردن آنها با واقعیت های اجتماعی امروز مسلمانان و هماهنگی با درک و فهم رو به رشد بشری گام برداشت. از آنجائیکه کیفر امری اجتماعی است پس دارای کارکرد عرفی می باشد. از این رو تعبیدی دانستن نوع مجازات ها در تعزیرات و مسدود نمودن راه استدلال و تحلیل عقلانی در این زمینه موجب تضعیف بنیادهای دینی و در مقابل رویکرد شارع خواهد بود. چراکه شارع با عدم تعیین نوع و میزان تعزیر به دنبال به وجود آوردن نهادی پویا و مطابق با نیازهای عدالت کیفری بوده است.

همان طور که می دانیم کارکردهای کیفر شامل ناتوان سازی بزهکاران، بازدارندگی عام یا خاص آنان، ترهیب، ترذیل، ارعاب و مسائلی از این قبیل می شود که اینها با گذر زمان قابل تغییر می باشند. به عبارت دیگر اسلام هم با وضع قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» تعیین نوع مجازات را به عقلانیت جمعی واگذار نموده و این اختیار را به ما داده تا با پیشرفت جوامع بشری و گذر زمان با استفاده از یافته های علمی در حوزه های گوناگون و تجربیات به دست آمده از تأثیر واکنش های کیفری در جامعه از مجازات های کارآمد استفاده بنمائیم.

در مورد جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی در فضای سایبر نیز برای وضع کیفر و تعیین نوع و میزان آن ابتدا باید دید رفتار مجرمانه به شخصی آسیب رسانده است یا خیر. که در صورت وجود این امر، مجازات مقرر باید به گونه ای باشد که حقوق زیان دیده از جرم تضییع نشود و مصداق مورد نامبرده را می توان موارد ماده ۷ قانون سمعی و بصری دانست که مقرر می دارد:

«زیان دیده از جرائم مذکور در این قانون حق مطالبه ضرر و زیان را دارد. دادگاه با احراز مکروه بودن بزه دیده موضوع صدر ماده (۴)، ضمن صدور حکم کیفری، مرتکب را به پرداخت ارش البکاره، مهرالمثل یا

هر دو (حسب مورد) محکوم می‌نماید. بزه دیده می‌تواند دعوی مطالبه هزینه درمان و ضرر و زیان وارده را در دادگاه کیفری صالحه یا دادگاه محل اقامت خود اقامه نماید».

در این موارد که رفتار منافی عفت متضمن ورود آسیب به دیگران است نوع ضمانت اجرا باید به گونه‌ای باشد که جبران کننده‌ی این آسیب وارده باشد که در این ماده قانونگذار به خوبی این امر را رعایت نموده و نوع ضمانت اجرای وضع شده در جهت حمایت از زیان‌دیده از جرم قرار داده شده است. ولی در همه‌ی موارد نوع جبران آسیب ناشی از جرم از طریق مسائل مادی و موارد ذکر شده در ماده هفت قانون نامبرده صورت نمی‌گیرد. به عبارت دیگر در برخی موارد شدت آسیب وارده به زیان‌دیده به گونه‌ای است که اقتضای مجازات سنگین‌تری از سوی قانونگذار را ایجاب می‌نماید. مصداق مورد اخیر را می‌توان ذیل ماده ۳ قانون سمعی و بصری دانست، آن جایی که اشاره می‌دارد؛

«چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند.

۱. تولید کنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه

۲. تولید کنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران»

در واقع در این ماده در جهت حمایت از آسیب دیده ضمانت اجرای سنگین اعدام البته در صورت احراز مفسد فی الارض شناخته شدن مرتکب وضع شده است. هدف از تعیین این مجازات را می‌توان بازدارندگی آن دانست. یعنی قانونگذار برای بازداشتن افراد از انجام رفتار مورد نظر مجازات سنگین اعدام را قرار داده است. هرچند که با توجه به شرایط و زمان تصویب قانون مورد نظر یکی از اهداف قانونگذار برای وضع این مجازات را از بین بردن التهاب به وجود آمده ناشی از انتشار تصاویر مستهجن بازیگر مشهور دانست.

نقد وارده به این قسمت از ماده که پیشتر نیز به آن اشاراتی شد در خصوص عدم تعیین ضابطه برای مفسد فی الارض شناخته شدن و اختیار بیش از حد دادرس در تعیین نوع مجازات برای مرتکب رفتار مذکور است. چرا که در صورت تشخیص دادرس مبنی بر اینکه رفتار مذکور مشمول عنوان افساد فی الارض می‌باشد مجازات مقرر برای مرتکب با توجه به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اعدام خواهد بود و در غیر این صورت به مجازات مقرر در صدر بند الف یعنی «در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند» محکوم می‌شود. در واقع بین این دو حالت اختلاف بسیاری وجود دارد و قانونگذار باید در تعیین ضمانت اجرا بین حالات مختلف وقوع جرم تناسب بیشتری را رعایت نماید.

در برخی موارد قانونگذار برای یک خطای اخلاقی صرف نیز اقدام به وضع ضمانت اجرا نموده است که مصداق این مورد را می‌توان تبصره ۲ بند ب ماده ۳ قانون سمعی و بصری دانست که البته همانطور که

گفتیم با توجه به واژه‌ی حامل‌های داده مذکور در ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی، این تبصره نسخ شده است. و تنها در صورتی که شخص قصد تجارت یا افساد داشته باشد رفتار مورد نظر مجرمانه خواهد بود و گرنه به صرف نگهداری این محتویات با توجه به اینکه یک خطای اخلاقی صرف است و با توجه به اینکه اصل بر عدم مداخله کیفری می‌باشد نباید ضمانت اجرای کیفری وضع نمود و برای جلوگیری از وقوع امر مذکور باید از تدابیر پیشگیرانه غیر کیفری سود برد (کرامتی معز و عبدالهی، ۱۳۹۶: ۸۲).

در برخی موارد اخلاق به حمایت کیفری نیازمند است. به عبارت دیگر جرم‌انگاری برخی رفتارها برای تنبیه و تنبه بزهکار و دیگران ضروری به نظر می‌رسد. مصداق حالت مذکور را باید ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی دانست. در واقع در این موارد قانونگذار با وضع مجازات به بیان لزوم پابندی به ارزش‌های اجتماعی می‌پردازد و مجازات‌های تعزیری وضع شده به نوعی در راستای اصلاح و تربیت اشخاصی است که مرتکب رفتارهای مذکور در ماده گردیده‌اند. دفاع از جامعه در این موارد می‌تواند با بکارگیری بزهکار برای سود رساندن به جامعه صورت گیرد. وضع جزای نقدی که کیفری مالی است یکی از مواردی می‌باشد که در اینجا قانونگذار از آن بهره برده است.

در مواردی اشخاصی جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی در فضای سایبر را حرفه‌ای خود قرار می‌دهند یا اینکه رفتارهای مجرمانه مورد نظر را به صورت سازمان‌یافته مرتکب می‌شوند. در این موارد در نظر گرفتن مجازات‌های ملایم موجب وقوع بیش از پیش این گونه جرایم می‌گردد. به عبارت دیگر در این موارد قانونگذار با توجه به شرارت بزهکار باید با وضع واکنش‌های کارآمد بزهکاران را ناتوان سازد. در تبصره ۳ ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی به مورد اخیر اشاره نموده است و برای آن دو حالت در نظر گرفته؛ یکی اینکه فرد مفسد فی‌الارض شناخته شود که در خصوص عیوب این قسمت توضیح داده شد. حالت دوم یعنی موردی که فرد مفسد فی‌الارض شناخته نشود حداکثر هردو مجازات برای مرتکب در نظر گرفته شده است. با دقت نظر در این تبصره متوجه عدم تناسب بین دو ضمانت اجرای مقرر می‌شویم به این شکل که یا عمل شخص مشمول عنوان افساد فی‌الارض می‌گردد و مجازات آن اعدام است و یا مشمول مجازات افساد فی‌الارض نمی‌گردد و مجازات آن دو سال حبس و چهل میلیون ریال جزای نقدی می‌باشد. با توجه به عدم مشخص بودن ضابطه‌ای دقیق برای عنوان افساد فی‌الارض نباید تا این حد بین این دو حالت مجازات اختلاف وجود داشته باشد و تعیین حالت بینابین برای میزان مجازات به گونه‌ای که به نوعی به همراه بازدارندگی، ناتوان‌سازی بزهکاران حرفه‌ای را نیز به همراه داشته باشد مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری:

نظر به آثار ناشی از جرایم علیه عفت عمومی در فضای مجازی و لزوم نظام تقنینی و واکنشی منسجم و کارآمد در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد که رویکردهای متفاوت در وضع قوانین مرتبط با جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی در فضای مجازی، مبین سیاست کیفری تقنینی منسجم قانون‌گذار در فضای سایبر

نمی‌باشد. با توجه به خاص و اخیرالتصویب بودن مواد مندرج در فصل جرایم رایانه ای قانون مجازات اسلامی درمی یابیم که در موارد تناقض و اختلاف در خصوص تعیین میزان مجازات و یا مجرمانه دانستن رفتاری، با قوانین قبل از این مواد، مواد فصل جرایم رایانه ای، ناسخ و در مواردی مخصص قوانین مرتبط می باشد. در نتیجه همپوشانی بین مجازات های مقرر در این فصل با قوانین قبل از آن وجود ندارد.

در خصوص نوع و میزان مجازات ها نیز باید گفت که قانون گذار باید به تمامی کارکردهای کیفر یعنی ناتوان سازی بزهکاران، بازدارندگی عام یا خاص، اصلاح و بازپروری، ترهیب، ترذیل، ارباب و مسایلی از این قبیل توجه داشته باشد. سیاست کیفری تقنینی ایران در خصوص جرایم منافی عفت در فضای مجازی بر این بوده که با وضع ضمانت اجراهای متنوع در جهت تحقق کارکردهای کیفر گام بردارد. رویکرد قانون گذار در برخی از موارد متناسب با کارکردهای کیفر بوده ولی در مواردی نیز واکنش تعیین شده برای رفتار مجرمانه نامتناسب و اصلاح قوانین در این گونه موارد ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع و مآخذ

- بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابراندآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۹.ق.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، جلد چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۰.ه.ق.
- کرامتی، معز، هادی و عبدالحی، سامان؛ بایسته‌های جرم انگاری در حقوق خانواده با تأکید بر حفظ کیان خانواده، قم: انتشارات نوید حکمت، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- محمودی جانکی، فیروز، نظام کیفردهی، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
- مدنی قهفرخی، سعید و زینالی، امیرحمزه؛ آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
- نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.

